

Persepolis Recreated

سکوه خیمه‌سپید



Farzin Rezaeian
فرزین رضاییان

بسم الله الرحمن الرحيم

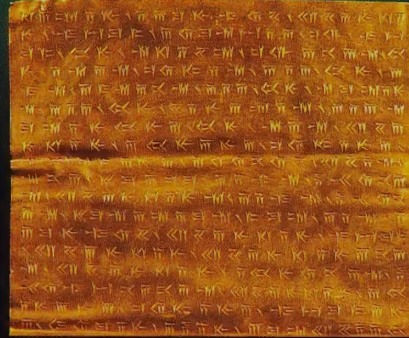
بسم الله

Dedicated to:

The many scholars and artists who devoted their works to illustrate the unique Iranian culture and civilization to the world; especially Professor Friedrich Krefter, Giuseppe and Ann Britt Tilia and Dr. Shapur Shahbazi, whose precise designs and valuable works made the 3-dimensional reconstruction of Persepolis possible.

تقدیم به:

همه اندیشمندان و هنرآفرینانی که در جهت اعتلا و معرفی میراث بی همتای تمدن و فرهنگ ایران کوشیده‌اند. به ویژه پروفیسور فردریش کرفتر، خانم و آقای تیلیا و دکتر شاپور شهبازی که بدون طرحها و مطالب ارزشمند این اساتید گرانقدر، بازآفرینی و به تصویر کشیدن سه بعدی تخت جمشید، ناممکن بود.



Great god is Ahuramazda
Who created this earth
Who created that heaven
Who created man
Who created happiness for man

خدای بزرگ اهورامزداست
که این زمین را آفرید
که آن آسمان را آفرید
که مردم را آفرید
و برای مردمان شادمانی را آفرید...

ISBN: 964-06-4525-7

No part of this book may be reproduced in any form or by
any means without the written permission of the publisher.

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به شرکت طلوع ابتکارات تصویری می باشد.
استفاده از تصاویر بدون اجازه ناشر (شرکت طلوع ابتکارات تصویری)
ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

مؤلف و پدید آورنده: فرزین رضاییان
طراحی تصاویر و گرافیک کامپیوتری:
مرتضی یاهو، میثم کشاورز، محسن شریعتی
لیتوگرافی: کحالی
مدیریت و برنامه ریزی چاپ ترانسپارانت:
انتشارات دایره سبز - حمید متواضع
چاپ: ایبانه
صحافی: تهرانی
چاپ ششم: پاییز ۱۳۹۰
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۷-۴۵۲۵-۰۶-۹۶۴
مرکز فروش: خانه فرهنگ و هنر گویا
تهران، خیابان کریمخان زند، پلاک ۱۳۸ تلفن: ۸۸ ۳۱ ۳۴ ۳۱
دورنگار: ۸۸ ۸۴ ۲۹ ۷۸
قیمت: ۶۵۰۰۰۰ ریال

رضاییان، فرزین، ۱۳۳۹ -
شکوه تخت جمشید =
/Persepolis recreated
مؤلف و گردآورنده: فرزین رضاییان طراحی تصاویر و گرافیک کامپیوتری
تهران: شرکت طلوع ابتکارات تصویری، ۱۳۸۳. مرتضی یاهو، میثم کشاورز -
۷۲ ص.: مصور (رنگی).
ISBN 964-06-4525-7
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
پشت جلد به انگلیسی:
Farzin Rezaeian
Persepolis recreated.
انگلیسی - فارسی.
۱. تخت جمشید. ۲. تخت جمشید -- مصور. ۳. شیراز
- آثار تاریخی. الف. عنوان.
۹۵۵/۶۳۷۰۴
DSR۵۵/ت۳
کتابخانه ملی ایران
۸۳-۵۶۹۱م

Printed in Iran

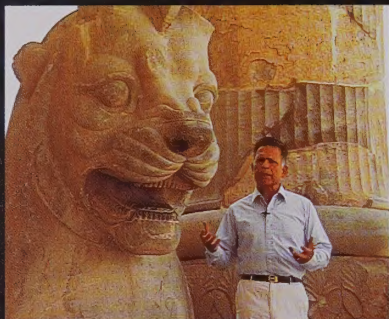
www.sunrisefilmco.com

Persepolis Recreated

شکوه خیمه‌سپید



Advance praise for “Persepolis Recreated”



Prof. A. Shapur Shahbazi

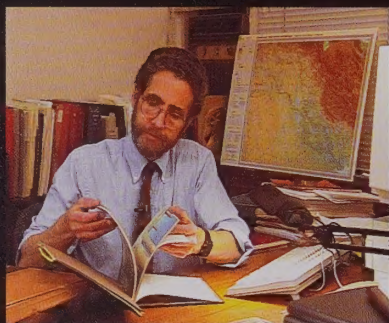
Achaemenid era specialist & Professor of History, Eastern Oregon University

“This is the first successful attempt to reveal the magnificence of Persepolitan palaces as they were 2500 years ago. It is a timely and excellent book.”

پروفسور علیرضا شاپور شهبازی

متخصص برجسته دوران هخامنشی و استاد تاریخ در دانشگاه ایسترن اورگان آمریکا:

”این کتاب اولین اقدام موفق در نمایاندن عظمت و شکوه کاخهای تخت جمشید آن گونه که در ۲۵۰۰ سال پیش بوده اند، می باشد. کتابی بهنگام و سرآمد“



Prof. Matthew Stolper

The Oriental Institute of the University of Chicago

[This work has] *“Quite spectacular pictures.”*

پروفسور ماتیواستلپر

استاد تاریخ زبان های باستان در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو آمریکا:

[این کتاب حاوی] ”تصاویری بس باشکوه“ [است]



Prof. Roger S. Moore

Ashmolean Museum, Oxford University

“This remarkable, long overdue attempt to recreate the atmosphere of Persepolis, particularly its vast scale and use of colour, is to be warmly welcomed.”

پروفسور راجر موری

موزه آشمولین دانشگاه آکسفورد انگلستان:

از این اقدام بی نظیر در بازآفرینی فضای تخت جمشید به ویژه در این ابعاد و به صورت رنگی که سالیان سال منتظر آن بوده ایم به گرمی استقبال خواهد شد .

”شکوه تخت جمشید“ از دید اساتید

Prof. Richard Frye

Harvard University

“3-dimensional presentation with overlay to show the original plan is excellent.”

پروفسور ریچارد فرای

استاد ایران شناسی دانشگاه هاروارد

”عرضه سه بعدی تصاویر و استفاده از طلق برای نمایش وضعیت اصلی تخت جمشید روشی

است بسیار عالی“



Prof. Abbas Alizadeh

The Oriental Institute of the University of Chicago

”Congratulations on finishing this monumental task. The result is a rich tapestry of Persian Achaemenid art and achitecture in their finest examples.”

پروفسور عباس علیزاده

استاد باستان شناسی در مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو آمریکا:

”تبریک به مناسبت به پایان رساندن این کار یا شکوه وبه یاد ماندنی نتیجه، کاری است

بسیار غنی که بهترین نمونه های هنر و معماری هخامنشیان را به تصویر کشیده است“



Prof. Remi Boucharlat

National Center of Scientific Research, France

“Persepolis is no longer in gray; recreated in colour as it was in its splendor.”

پروفسور رمی بوشارلا

باستان شناس و عضو مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه:

”بالاخره تخت جمشید از رنگ خاکستری بدر آمد و دوباره رنگ دوران عظمت و شکوه خود

را بازیافت“





A The Entrance Staircase
پلکان ورودی

B The Gate of All Nations
دروازه ملل

C Apadana, The Audience Hall
کاخ آپادانا

D The Tripylon Palace
کاخ سه دروازه

E The Tachara Palace
کاخ تچر

F The Hadish Palace
کاخ هدیش

G The Queen's Palace
کاخ ملکه (حرمسرا)

H The Hundred Column Hall
کاخ صدستون

I The Treasury
خزانه

J The Unfinished Gate
دروازه نیمه تمام

K Fortifications
استحکامات

Contents

فهرست

12	Preface	دییاجه	۹
15	Introduction: A Vast and Complex Empire	مقدمه: اولین امپراتوری جهانی	۱۳
17	Map of the Empire	نقشه امپراتوری	۱۵
18	Persepolis: "The Richest City Under the Sun"	"پارسه غنی ترین شهر زیر آفتاب بود"	۱۶
20	The Entrance Staircase	پلکان ورودی	۱۸
22	The Gate of All Nations	دروازه ملل	۲۰
24	The Welcoming Hall	تالار انتظار	۲۲
26	Towards Apadana: The Great Audience Hall	به سوی کاخ آپادانا	۲۴
28	The Gigantic Apadana Doorways	درهای عظیم	۲۶
30	The Columns and Capitals of Apadana	ستون ها و سرستون های آپادانا	۲۸
32	The Lion Capitals of Eastern Portico	سر ستونهای ایوان شرقی	۳۰
34	The Royal Audience & Parade of Nations	آغاز بار عام شاهی	۳۲
44	Peace at Persepolis	صلح و دوستی در تخت جمشید	۴۲
45	Tripylon	کاخ سه دروازه یا تالار شورا	۴۳
48	Tachara: Private Palace of Darius	کاخ اختصاصی داریوش : تچر	۴۶
50	Tachara or The Hall of Mirrors	کاخ تچر یا تالار آینه	۴۸
52	The Hadish	کاخ هدیش	۵۰
54	The Queen's Palace	کاخ ملکه	۵۲
56	Towards the One Hundred Column Hall	به سوی کاخ صد ستون	۵۴
60	The Treasury	خزانه	۵۸
62	The Builders of Persepolis	سازندگان تخت جمشید	۶۰
63	The Unfinished Gate	دروازه ناتمام	۶۱
64	Harmony at Persepolis	معماری همگون	۶۲
66	Persepolis Inferno	تخت جمشید در آتش	۶۴
68	Persepolis Forever	جاودانگی تخت جمشید	۶۶
70	Credits & Acknowledgements	سپاسگزاری	۶۸
71	The Creators of "Persepolis Recreated"	آفرینندگان "شکوه تخت جمشید"	۶۹

خاک در او بودی دیوار نگارستان
بر شیر فلک حمله شیر تن شادروان
در سلسله درگه در کوکبه میدان
خاقانی

اینست همان ایوان کز نقش رخ مردم
اینست همان صفه کز هیبت او بردی
پندار همان عهد است از دیده فکرت بین



که یکی هست و هیچ نیست جز او ...

قرن هاست که ویرانه‌های تخت جمشید با ستونهای ستر و عظیمش چشمان هر بازدید کننده‌ای را خیره ساخته و غرور و تعجب را در آنها برانگیخته است؛ غرور از داشتن میراثی چنین گرانقدر و با شکوه و تعجب از اینکه چگونه و با چه همتی این کاخهای عظیم در ۲۵۰۰ سال پیش بنا شده‌اند. ولی شاید مهمترین پرسش برای همگان این است که این ویرانه‌ها، پیش از آتش سوزی مهیب اسکندر، یعنی در زمان اوج شکوه و عظمت خود، چگونه بوده و چه شکلی داشته‌اند؟

کتاب حاضر تلاشی است در پاسخگویی به این پرسش بنیادین. با توجه به تخریب تدریجی این بناها در طول قرن‌ها و اطلاعات محدودی که از جزییات ساختمانها و نوع تزیینات و رنگ آمیزی آنها در دست است، این امر در ابتدا بسیار مشکل می‌نمود. با اینحال در یک دهه گذشته فرصت مغتنمی پیش آمد تا در مورد دوران هخامنشی که بی شک یکی از درخشانترین دوره‌های تاریخی ایران و جهان است و همچنین تخت جمشید که مهمترین اثر بجای مانده از آن دوران است مطالب مفیدی گردآوری کرده و از محضر استادان بزرگی که امکان گفتگوی حضوری و مصاحبه اختصاصی را به من دادند بهره‌ و افری ببرم. از جمله:

- ❖ دکتر جان کرتیس در موزه‌ی بریتانیا (سال ۱۳۷۲)
 - ❖ دکتر راجر موری در موزه‌ی آشمولین دانشگاه آکسفورد (۱۳۷۲)
 - ❖ دکتر ولفرام کلایس در موزه‌ی باستان شناسی برلین (۱۳۷۲)
 - ❖ دکتر بوریس بارشاک در موزه‌ی آرمیتاژ در سن پترزبورگ روسیه (۱۳۷۲)
 - ❖ دکتر ژان پرو و پروفیسور پیر آمیه در موزه‌ی لوور (۱۳۷۷)
 - ❖ سرکار خانم دکتر پرودنس هارپر در موزه‌ی هنر متروپولیتن نیویورک (۱۳۷۷)
 - ❖ دکتر عباس علیزاده و دکتر ماتیواستلپر در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو (۱۳۷۷)
 - ❖ پروفیسور ریچارد فرای در تخت جمشید و متعاقبا در دانشگاه هاروارد (۱۳۷۷)
 - ❖ دکتر دیوید استروناخ در ایران (۱۳۷۷)
 - ❖ دکتر علیرضا شاپور شهبازی در تهران و تخت جمشید (سال ۱۳۸۱)
 - ❖ و بالاخره دکتر رمی بوشارلا در تهران و تخت جمشید (سال ۱۳۸۲)
- در اینجا با عرض ارادت و ارسال سلامی گرم، از یکایک این عزیزان سپاسگزاری و قدردانی می‌کنم.

چشم دارم که سلامی برسانی ز منش

گر به سر منزل سلمی رسی ای باد صبا

حافظ

با اینکه نقطه نظرات استادان و سرورانی که درباره‌ی تصاویر بازسازی شده تخت جمشید اظهار نظر فرمودند بسیار راهگشا و آموزنده بود، با این حال طبیعی بود که در برخی موارد اتفاق نظر قطعی وجود نداشته باشد. به همین دلیل در بازسازیها و طراحی‌ها به مواردی بسنده نمودیم که اتفاق نظر بیشتری در موردشان وجود داشت.

که مثالی و انمایم مر ترا

متحد نقشی ندارد این سرا

مولانا

ناگفته پیداست که در سایر بازآفرینی‌ها از نیروی تخیل و یا به گفته خاقانی از "دیده فکرت بین" مدد جسته ایم. به همین دلیل هر گونه کمبود و نارسایی احتمالی در این زمینه متوجه نگارنده و همکاران وی در شرکت طلوع ابتکارات تصویری است که ما را بیش از پیش چشم براه نقطه نظرات استادان و صاحب نظران محترم می‌نماید. در اینجا جا دارد تا از جناب آقای دکتر عباس علیزاده که در طول مسیر راهنما و راهگشای ما بودند و همچنین جناب آقای مهندس محمد بهشتی ریاست محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، آقای مهندس محمد حسن طالبیان رئیس بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد، آقای محمدرضا ریاضی رئیس کتابخانه موزه ملی ایران و کلیه عزیزانی که در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و به ویژه در تخت جمشید ما را در تهیه این کتاب و فیلم مربوطه یاری رسانند، تشکر و قدردانی نمایم.

تهران - تابستان ۸۳

فرزین رضاییان

Preface

Seized and burned by Alexander the Great's conquering army, shaken by uncounted earthquakes, eroded by 25 centuries of rain, fluctuating temperatures and scouring winds, Persepolis-the greatest of the royal residences of Persia-is still a remarkable ancient ruin.

Yet, the place remains an awesomely impressive sight 2,500 years after it was built.

Even today those who step up to this gigantic terrace of 125,000 square meters and see its remnant yet majestic columns, are filled with a sense of awe drifting into a dream-like trance.

A dream in which one tries to visualize the beauty and dazzling splendor of Persepolitan Palaces before their sad destruction.

The present package, containing this book and its companion documentary film is an attempt to make this dream come true.

Nevertheless, the limited available sources on the original buildings and their ornamentation as well as the drastic damage the structures have suffered throughout ages, made this task to seem very arduous in the beginning. However, thanks to the recent works by some of the most renowned archaeologists and experts of Achaemenid art and history, who generously shared their valuable knowledge on different occasions and through personal interviews, the elements for recreating the splendor of Persepolis became more evident.

In this respect, I am immensely indebted to:

- Dr. John Curtis, at the British Museum, 1993
- Dr. Roger S. Moorey, at the Ashmolean Museum, Oxford University, 1993
- Dr. Boris Barshak, at the Hermitage Museum, Saint Petersburg, 1993
- Dr. Jean Perrot and Prof. Pierre Amiet, at the Louvre, 1997
- Dr. Prudence Harper, at the Metropolitan Museum of Art, New York, 1998
- Dr. Abbas Alizadeh and Dr. Matthew Stolper, at the Oriental Institute of the University of Chicago, 1998
- Prof. Richard Frye, at Persepolis and Harvard University, 1998
- Dr. David Stronach, in Iran, 1998
- Dr. A. Shapur Shahbazi, in Tehran and at Persepolis, 2002
- Dr. Remi Boucharlat, in Tehran and at Persepolis, 2003

I am extremely grateful for the extraordinary generosity with which they shared their knowledge and for their interest and support. The guidelines and views of these scholars to portray a "recreated Persepolis" were quite enlightening. However, it was only natural that consensus would not prevail in all aspects of reconstruction. Therefore, in a concise work such as this, we have concentrated on those parts that are predominantly more acceptable and also the parts which are visually more illuminating. Needless to say that any inaccuracies or inadequacies are the sole responsibility of myself and my colleagues at Sunrise Visual Innovations Ltd.

I would like to express my heart-felt gratitude to all the individuals and institutions who assisted us in the production of this book and its companion film. Perhaps now, with their valuable contribution and bits and pieces of information gathered, we can, in the words of Omar Khayyam, "*Re-mold it nearer to the Heart's Desire*" and make a dream come true.

Farzin Rezaeian
August, 2004

*Could you and I with Him conspire
Would not we shatter it to bits - and then*

*To grasp this sorry scheme of things entire,
Remold it nearer to the Heart's Desire!*

Omar Khayyam







اولین امپراتوری جهانی

دوران هخامنشی یکی از درخشانترین دوره های تاریخی ایران و جهان است. بنیانگذار سلسله هخامنشی کوروش بزرگ بود که در تورات به منزله نجات دهنده قوم یهود از یوغ اسارت بابلیان معرفی شده و برخی از پژوهشگران مسلمان نیز او را بنو القریین در قرآن، یکی دانسته اند.

گزنفون مورخ یونانی سده چهارم پیش از میلاد هم او را "فردی با درایت، بی ریا و اهل راستی که همگان را مجذوب خویش می ساخت" معرفی کرده است. کوروش که در واقع شهریار قبایل پارس بود، در سده ششم پیش از میلاد با هم پیمان ساختن اقوام آریایی تبار پارس و ماد و با هوشمندی خارق العاده ای توانست بزرگترین امپراتوری جهان آنروز را پایه گذاری کند.

او که به سرسبزی و خرمی نیز عشق می ورزید پایتخت خود یعنی پاسارگاد را به صورت یک باغشهر آباد و زیبا موسوم به "پردیس" درآورد. واژه های "فردوس" در عربی و "پارادایز" در انگلیسی هر دو برگرفته از همان واژه "پردیس" اند.

هخامنشیان به تبعیت از آیین زرتشت عناصر طبیعی همچون آب، باد، خاک و آتش را محترم و مقدس می شمردند؛ اما آنها را نمی پرستیدند، بلکه همانطور که در کتاب حماسی ایران، یعنی شاهنامه بیان شده، پرستنده یزدان پاک بودند.

نیا را همی بود آیین و کیش
نگویی که آتش پرستان بدند
در آنکه بدی آتش خو برنگ

پرستنده ی ایزدی بود پیش
پرستنده ی پاک یزدان بدند
چو مر تازیان راست محراب سنگ

Introduction

Achaemenid Persia occupies a very important place among the great civilizations of the ancient world.

In 550 BC, Cyrus, one of those rare leaders towards whom one cannot help but gravitate, laid the foundation of the largest empire the world had ever seen. His empire was quite unique because it was built on a model of tolerance and respect for other cultures and religions. So much so that the Old Testament regards Cyrus as the savior of the Jews from Babylonian captivity; while Xenophon, the 4th century BC Greek historian, refers to him as *a man of wisdom, resilient spirit and guilelessness*.

Cyrus was also famous throughout the ancient world for his love of gardens. Recent excavations at his capital city *Pasargadae* and the discovery of irrigation canals for his vast royal gardens support this fact. His gardens were called 'paradisa', where life grew and water was the essence of life. From the Persian word 'paradisa' we have inherited the evocative word "paradise" in English.

After Cyrus, Darius the Great elevated the Persian Empire to its zenith.

The Empire now extended from the borders of India in the east to Greece on the Mediterranean, down to Egypt and Ethiopia in Africa and up to what is now Russia and Eastern Europe. Twenty-eight different nations were brought together under the rule of a man who was hailed as 'the King of Kings'.

To administer this vast Empire, according to Herodotus, Darius divided it into twenty provinces, each with its own provincial governor or *satrap*.

It was under his rule that for the first time a standard weighing system was devised, Old Persian cuneiform script was invented, and gold and silver coins were minted and used throughout the Empire.

As an administrator and a builder, Darius was brilliant. In Egypt, he had a canal dug between the Nile and the Red Sea, anticipating the modern Suez Canal. More important was the construction of the Royal Road stretching about 2,600 kilometers. This road connected Susa and Persepolis at the heart of the empire, to Sardis and the Mediterranean shores. This great highway and other network of roads, had resting stations at regular intervals, which facilitated secure trade and commerce, and expedited communications through an efficient mail system by the fast-riding letter carriers. These messengers would change their horses at each station and could therefore reach their destination at the shortest possible time. This was in fact a prelude to the "pony express" and today's postal system.

In order to govern their vast empire, the Achaemenid kings established not one but four capital cities in various strategic regions: Babylon, Susa, Ecbatana and finally the most magnificent of them, Parsa or Persepolis, which was known in its day as the "richest city under the sun".

پس از کوروش، داریوش بزرگ امپراتوری هخامنشی را به اوج قدرت و وسعت خود رساند.

این امپراتوری از یکسو از هند تا مرزهای یونان و از سوی دیگر از مصر تا جنوب روسیه امروزی گسترش داشت. به طوریکه مرزهای شرقی و غربی آن ۵۰۰۰ کیلومتر از هم فاصله داشتند.

برای اداره‌ی این سرزمین پهناور که ۲۸ ملیت گوناگون را در بر می‌گرفت اقدامات بی‌نظیری انجام یافت. نخست به گفته‌ی هرودت این امپراتوری به ۲۰ استان یا ساتراپی تقسیم شد که هر کدام را یک حکمران که از مرکز فرمان می‌گرفت اداره می‌کرد. با اینحال اهالی این ساتراپی‌ها در اداره‌ی امور و انجام آیین‌های مذهبی و فرهنگی خود آزاد بودند.

در زمان داریوش خط میخی پارسی ابداع شد و در کنار خطوط عیلامی و بابلی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین برای اولین بار در ایران سکه طلا و نقره ضرب و رایج گردید.

از کارهای فوق‌العاده دیگر در زمان داریوش اجرای طرحهای عظیم مهندسی بود، مانند ایجاد تریعه‌ای در مصر که رود نیل را به دریای سرخ پیوند می‌داد و در واقع پیشگام کانال سوئز امروزی بود.

از این مهم‌تر احداث شاهراهی به طول ۲۶۰۰ کیلومتر بود که شوش را به ساردیس در نزدیکی سواحل مدیترانه متصل می‌ساخت. در طول این بزرگراه، استراحتگاهها و ایستگاههای خاصی نیز احداث شده بود که امر تجارت و همچنین ایجاد ارتباط و رساندن نامه‌ها توسط چاپارهای تندرو را سرعت خارق‌العاده‌ای بخشیده بود.

شاهان هخامنشی به جای یک پایتخت دارای چهار پایتخت بودند که در طول سال در آنها اقامت می‌کردند. این پایتختها در چهار مرکز اصلی تمدن‌های باستانی آن روز بنا شده بودند: بابل، در قلب تمدن بین‌النهرین، شوش، در مرکز تمدن عیلام، هگمتانه، در مرکز اصلی مادها و بالاخره پارسه یا تخت جمشید، در قلب خاستگاه خود هخامنشیان. یعنی خطه پارس، که روزگاری "غنی‌ترین شهر زیر آفتاب" محسوب می‌گردید.

Map of the Empire

نقشه امپراتوری





Map of the Empire

نقشه امپراتوری



Persepolis: "The Richest City under the Sun."

Deodorus Siculus

Persepolis is the Greek designation for the city and its acropolis that was originally called 'Parsa' by the Persians. Parsa was founded around 518 BC by a great visionary, king Darius the Great, the third king of royal Achaemenid dynasty. He selected the northwestern side of the Mountain of Mercy, near the present-day city of Marvdasht, to build one of the greatest palatial complexes in the world.

It must have been a great endeavor to create this huge platform that was made of giant blocks of stone, covering more than 125,000 square meters.

After the platform was prepared, the majestic structures were gradually constructed and expanded during the reigns of Darius and his successors, Xerxes and Artaxerxes I, in the span of more than 50 years.

Persepolis was first and foremost a majestic ceremonial complex, where representatives of 28 nations and satrapies of the Persian Empire gathered and celebrated their highest feasts in the presence of the king.

For decades, we have only been able to see the ruins and remnants of Persepolis. But today, thanks to numerous scholarly works and a touch of imagination, we can recreate the halls and palaces of Persepolis in all its dazzling splendor. Perhaps now we can see why Persepolis was once known as "the richest city under the sun."

شهر وارگ شاهی آن که پارسیان بدان پارسه می گفتند امروزه با نام تخت جمشید شهرت یافته است. پارسه یا تخت جمشید در سال ۵۱۸ پیش از میلاد، توسط داریوش کبیر - سومین پادشاه سلسله هخامنشی - بنیان نهاده شد. برای این کار داریوش دامنه کوه رحمت در نزدیکی مرودشت امروزی را جهت پیرا کردن یکی از باشکوهترین کاخهای سلطنتی دنیای باستان انتخاب کرد. ابتدا با جیدن قطعات عظیم سنگ در کنار هم زمین تختی در دل کوه به وسعت ۱۲۵۰۰۰ متر مربع که به صفا معروف گشته شکل داده شد. با آماده شدن این صفا کار ساخت کاخهای مجلل و تالارهای پر شکوه آن در زمان داریوش بزرگ آغاز شد و طی ۵۰ سال توسط جانشینان او یعنی خشایارشا و اردشیر اول هخامنشی ادامه یافت و تکمیل گردید.

تخت جمشید برای هخامنشیان ارزش والایی داشت چرا که قانون برگزاری بزرگترین گردهم آیی جهان امروز برای برپایی مهمترین مراسم آیینی و جشنهایشان بود. در اینجا نمایندگان ۲۸ ساتراپی یا ایالات تابع امپراتوری از دورترین نقاط گیتی دور هم جمع می شدند تا در حضور پادشاه بزرگترین اعیاد همجور نوروز را جشن بگیرند. اما امروزه از منگوه و عظمت دیرین تخت جمشید خبری نیست و متأسفانه سالیان سال است که فقط نظاره گری ویرانه های در آتش سوخته آن هستیم. با ایصال اکنون با استفاده از تحقیقات و نظرات جدید باستان شناسان و دانشمندان و با مدد جستش از من آوری نوین همراه با نیروی تخیل، شرایط مناسبی فراهم شده است تا بتوانیم جلوه ای از شکوه و عظمت دیرین تخت جمشید را باز آفرینی کنیم. بدین ترتیب شاید بتوان فهمید که چرا تخت جمشید روزگاری "غنی ترین شهر زیر آفتاب بوده است."









The Entrance Staircase

Two rows of double-reversed staircase constitute the main entrance to Persepolis. Each flight has 111 steps, each of which is about 7 meters long, 40 cm deep and has a short rise of only 10 cm. It was so designed to promote a stately progression of the dignitaries and delegations to the terrace to attend the royal ceremony.



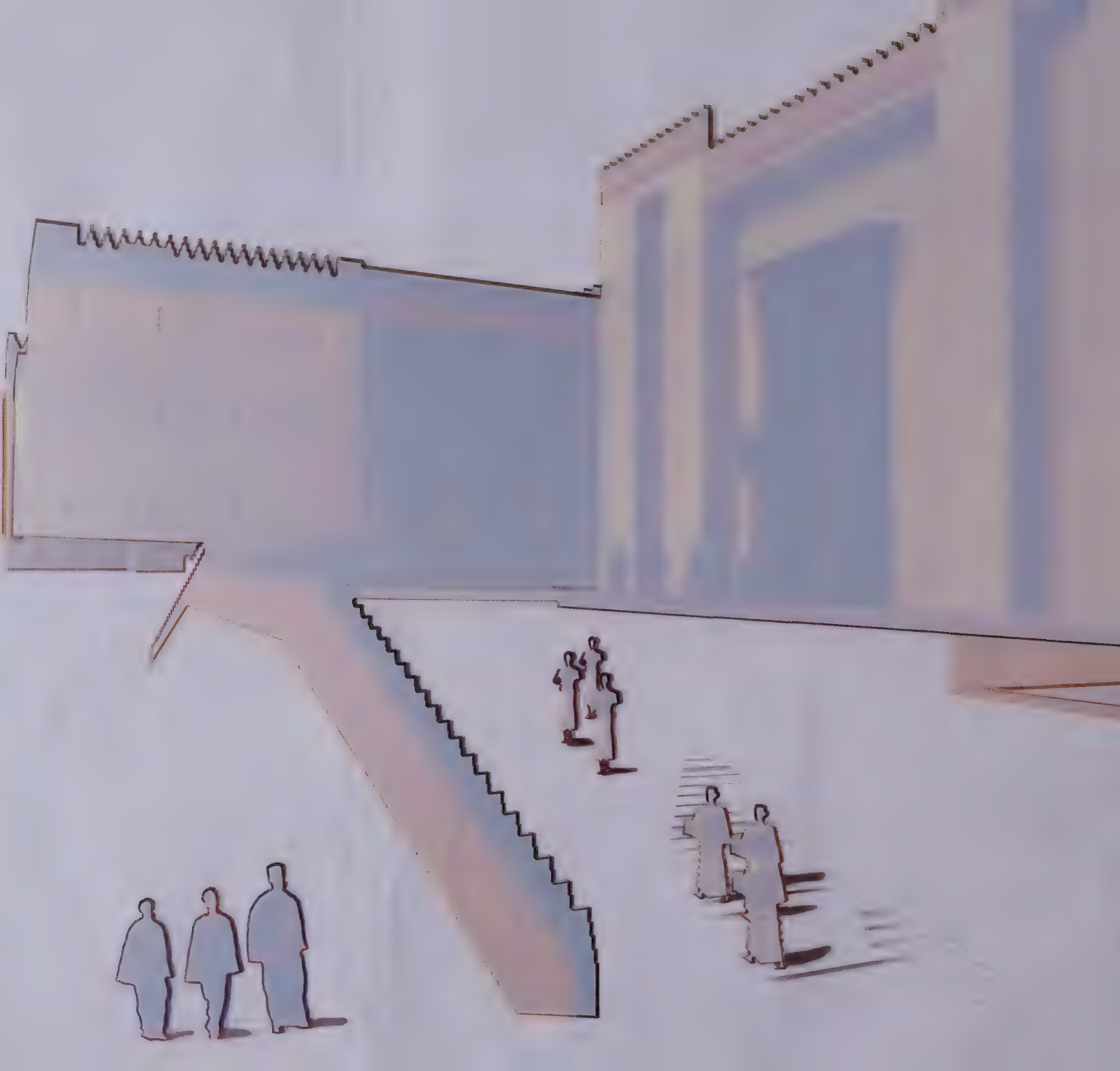
پلکان ورودی

دو ردیف پلکان قرینه، ورودی اصلی به تخت جمشید را تشکیل می دهند. هر ردیف پلکان شامل یکصد و یازده پله است و هر پله در حدود ۷ متر طول، ۴۰ سانتی متر عرض و فقط ۱۰ سانتی متر ارتفاع دارد. ارتفاع کم پله ها برای راحتی بیشتر میهمانان عالیمقام و حرکت آرام و تشریفاتی آنان به سوی صفا، برای شرکت در مراسم بارعام و میهمانی شاهانه در نظر گرفته شده بود.











The Gate of All Nations

Access to the complex was through the Gate of All Nations. Two gigantic bulls reminded the guests that they were entering the heart of the royal Persian power. An inscription by King Xerxes on the pillars of the Gate reads: *"On demand of God Ahuramazda, I built this Gate of All Nations. Many splendid and beautiful monuments were erected in this Parsa, all by my command and my father's; which we built to please Ahuramazda."*



دروازه ملل

ورود به مجموعه کاخها از راه دروازه ملل انجام می گرفت. پیکره سنگی دو گاو عظیم در مدخل ورودی، به میهمانان یادآوری می کرد که در آستانه ورود به قلب تمدن هخامنشی هستند. در بالای جرزهای این دروازه کتیبه هایی به سه زبان پارسی باستان، عیلامی و بابلی وجود دارد که در آنها خشایارشا پس از ستایش خداوند چنین می گوید: "این دروازه ای همی ملتها را من به خواست اهورامزدا ساختم. بسا بسا ختمانهای خوب دیگر در این پارسه بر پا شد که من و پدرم برآوردیم. هر آن بنایی که زیبا می نماید همه را به تایید اهورامزدا، ما بساختیم."







The Welcoming Hall

The dignitaries and delegates who had come from all over the Empire assembled here and were seated on a glittering bench of black marble-like stone. Through the southern doorway they were then ushered to the great Apadana.

تالار انتظار

هیات‌ها و نمایندگانی که از سرتاسر امپراتوری هخامنشی به تخت جمشید آمده بودند نخست در درون دروازه ملل و بر روی سکوهایی که دور تا دور تالار قرار داشت، به انتظار اجازه‌ی ورود می‌نشستند و سپس از راه دروازه جنوبی، توسط بزرگان پارسی یا مادی برای شرکت در مراسم بارعام، به سوی کاخ آپادانا هدایت می‌شدند.

The other dignitaries, especially the military officials, however, would pass through the Eastern Gate and proceed towards the One Hundred Column Hall از سوی دیگر بزرگان و فرماندهان ارتش از راه دروازه شرقی به خیابان سپاهیان و از آنجا به تالار صد ستون راه می‌یافتند.









Part of the original glazed bricks used for ornamentation of Apadana towers.

بخشی از آجرهای لعابدار اصلی که روزگاری برجهای کاخ آپادانا را تزیین کرده بودند.



Crossing this vast imperial platform, the dignitaries who came from the “four corners of the world”, approached the largest and most splendid palace of the royal complex: the Apadana.

In each corner of the palace, there were ornamented towers that were three-stories high.

با گذشتن از این حیاط وسیع سلطنتی، میهمانان بلند مرتبه که از “چهار گوشه جهان” آنروز گرد آمده بودند بزرگترین و باشکوه ترین کاخ این ارگ یعنی آپادانا را پیش روی خود می دیدند.

در چهار گوشه این کاخ، برجهای سه طبقه‌ی زیبایی که با آجرهای رنگی لعابدار تزیین شده بودند، جلب نظر می کردند.



Apadana, undoubtedly the most splendid palace of Persepolis, took thirty years to be completed. It consisted of a great central hall, which had 36 columns and three porticos on the northern, eastern and western sides, each having 12 grand columns. A series of steps in the north and east provided access to the hall.

۳۰ سال طول کشید تا آپادانا که بی شک با عظمت ترین کاخ تخت جمشید بود ساخته و تکمیل شود. این کاخ دارای یک تالار مرکزی با ۳۶ ستون و سه ایوان در شمال، شرق و غرب هر یک با ۱۲ ستون باشکوه بود. دو سری پلکان بسیار زیبا در شمال و شرق، ورودی های کاخ آپادانا را تشکیل می دادند که امروزه می توان جذاب ترین نقوش بارعام را در دیواره های آنها مشاهده نمود.





Ionian Greeks, as depicted in the Apadana reliefs, bring their finest gifts to present to the Achaemenid king and to pledge their allegiance.



یکی از این نقوش، تصویرگر نمایندگان یونانی تبار اهل آیونیه است که در حال حمل بهترین تحفه های خود به حضور پادشاه ایران اند.

The Gigantic Doors

To enter the central hall, the guests would pass through these gigantic double-leaved doors. They were 18 meters high, with repossé sheets of gold and silver.



درهای عظیم

برای ورود به تالار آپادانا میهمانان گوناگون از این درگاهها که هر کدام دو لنگه در داشتند می گذشتند. این درهای عظیم چوبی با ۱۸ متر ارتفاع با ورقه های نقش دار طلا و نقره مزین شده بودند.









Each of the main hall's majestic columns, measuring 20 meters high, was composed of a square base, a round torus, a fluted shaft and a heavy capital in the form of a double bull protome weighing about 15 tons.

هر یک از ستونهای سنگی با شکوه این تالار ۲۰ متر بلندی داشت و شامل یک پایه ستون مربع شکل، تنه های استوانه ای شیار دار و سر ستونی به شکل دو گاو تر پشت به هم بود که ۱۵ تن وزن داشت.





The Lion Capitals of Eastern Portico

While the capitals of the main hall as well as the northern and western porticos had double bull protomes, those of the eastern portico were in the form of magnificent double lion protomes.



سرستونهای ایوان شرقی

سرستونهای تالار مرکزی و دو ایوان غربی و شمالی به شکل دو گاو تر بودند، در حالی که سرستونهای ایوان شرقی آپادانا شکل دیگری داشتند؛ دو شیر غران پشت به هم.

Of the 72 columns in antiquity supporting the Apadana's roof, only 14 are still standing today. The vast and heavy roof that was as large as a football field, rested on massive beams of cedar or cypress.



از ۷۲ ستون نگهدارنده سقف آپادانا، امروزه فقط ۱۴ عدد پابرجا هستند. سقف وسیع و سنگین تالار که تقریباً به وسعت یک زمین فوتبال بود، بر روی این ستونها و تیرهای حامل، از الوارهای قطور چوب سدر یا سرواستوار بود.







The Royal Audience

Archaeological investigations show that the two highly beautiful carved slabs-one now at the Iran National Museum and the other at the Persepolis Treasury- had originally ornamented the central façade of the Apadana stairways. They masterfully depict the royal audience and its poms and protocol.



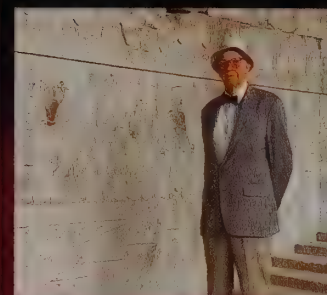
آغاز بار عام شاهی

شواهد باستان شناسی نشان می دهد که دو نقش بسیار زیبای بار عام شاهی که اکنون یکی در خزانه تخت جمشید و دیگری در موزه ملی ایران به نمایش گذاشته شده اند، در واقع قرینه‌ی همدیگر و متعلق به پلکانهای شمالی و شرقی آپادانا بودند که به بهترین شیوه آغاز بار عام شاهی را به نمایش می گذارند.



Prof. Richard Frye, who has lectured on Iranian studies for over 30 years at Harvard University, thus explains the protocol of the royal audience:

پروفسور ریچارد فرای که بیش از ۳۰ سال در دانشگاه هاروارد آمریکا به بررسی و تدریس ایران شناسی مشغول بوده، آیین تشریفاتی بارعام شاهان هخامنشی را چنین توصیف می نماید:



"To this remarkable ceremonial center of a world empire, there came on New Year's day, the vernal equinox, on the 21st of March, many peoples, representatives of many satrapies or governorships, which Darius had established in the empire. From the Ionian Greeks to the Egyptians, From the Babylonians to the Indians, they brought all sorts of gifts"



«در اولین روز بهار یا نوروز، نمایندگان ساتراپیها یا همان ایالات تابع امپراتوری جهانی که داریوش بنیان نهاده بود، در این مرکز جشنهای آیینی، گرد هم می آمدند. از آیونی های یونانی تبار تا مصریان، و از بابلیها تا هندیان، همگی تحفه ها و هدیه های گوناگون خود را پیشکش میکردند.»

"Each delegation led by a Persian or Median noble, was presented to the King with an explanation of what they had brought and then the festivities began celebrating the New Year's day."

”هر گروه از این نمایندگان را یک نجیب زاده پارسی یا مادی راهنمایی کرده و به حضور پادشاه معرفی می نمود. سپس در مورد هدایای آنها توضیحاتی داده می شد و بالاخره مراسم جشن با شکوه سال نو آغاز می شد.“





"This grand occasion was symbolized by the lion devouring the bull, the New Year ending the old year, according to many scholars."

“به گفته بسیاری از پژوهشگران این نقوش حجاری شده که در آن شیر قوی هیکل گاو را می بلعد، در واقع پایان بردن سال قدیم توسط سال نو را به صورت نمادین به نمایش گذاشته اند.”



"This was Persepolis."

چنین بود تخت جمشید.



The eastern portico of Apadana is adorned by splendid reliefs of 23 groups of gift-bearers.

نقش برجسته های بی نظیر ایوان شرقی آپادانا، ۲۳ گروه هدیه آورنده که از نقاط دور و نزدیک امپراتوری هخامنشی گرد آمده بودند را به تصویر کشیده است.



The distinctive locks of hair dangling behind the ears of these men distinguish them as Lydians, who owed their wealth to trade and to their local gold mines. In a friendly manner, the Persian dignitary ushers the emissaries to the Audience Hall, holding their leader's hand.

Xenophon tells us in the *Anabasis* that armlets were among the items considered gifts of honor at the Persian court.

لیدی ها را می توان از نوع لباسشان و از دسته موهایی که پشت گوششان آویزان است، شناسایی کرد. لیدی ها جزو ثروتمندترین ساتراپی های هخامنشی بودند که هدایای بسیار نفیسی را برای پیشکش به پادشاه به همراه می آوردند. یک نجیب زاده پارسی در حالیکه دوستانه دست سر کرده لیدی ها را در دست دارد، با نرمی آنها را به سوی بار عام شاهی، هدایت می کند.

گزنفون در کتاب خود آناباسیس گفته است که "بازوبندهای نفیس از جمله هدایای یا ارزش در دربار پارسیان بوده است."

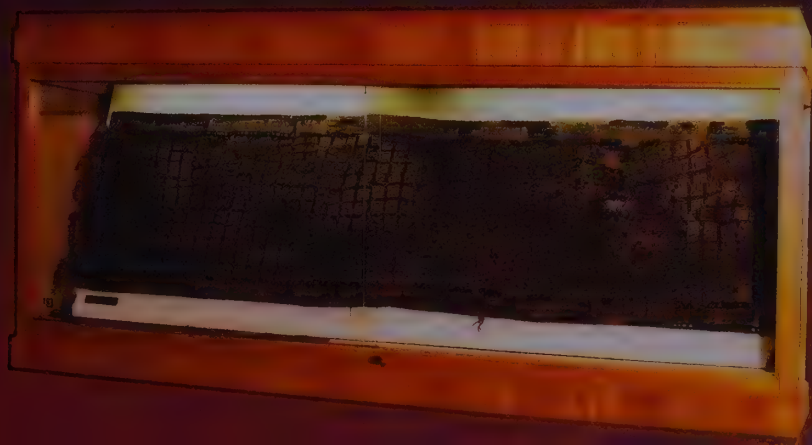
Opposing griffins, once inlaid with semi-precious stones, adorned this bracelet that is a part of the cache of treasures found near the river Oxus. The "Oxus Treasure" is now kept at the British Museum.

یکی از هدیه آورندگان اهل لیدی بازوبند زیبایی را به عنوان پیشکش حمل می کند. مشابه این بازوبند را امروزه در موزه بریتانیا در میان گنجینه ای که در نزدیکی رود سیحون کشف گردیده و به همین نام یعنی "گنجینه سیحون" معروف شده می توان دید. روزگاری این بازوبند منحصر به فرد، مرین به سنگهای قیمتی نیز بوده است.



Babylonian representatives carry among other items, lengths of textile, possibly made of wool. Actual pieces of textile dating to the Achaemenid period have been found. This very old fabric with Persian motifs, is now on display at the Hermitage Museum in St Petersburg, Russia. It is part of the astonishing *Pazyrik finds* that were frozen and preserved under heavy ice in southern Siberia.

نمایندگان تمدن باستانی بابل در میان هدایای خود منسوجات جالبی نیز به همراه دارند. به رغم اینکه پارچه و منسوجات در گذر زمان پوسیده و از بین می روند، خوشبختانه نمونه هایی از کهن ترین بافته ها یا نقشمایه های هخامنشی، در درون یخچالهای جنوب سیبری حفظ شده اند. این مجموعه حیرت انگیز که به "گنجینه پازیریک" معروف گشته، اینک در موزه ارمیتاژ در سن پترزبورگ روسیه، نگهداری می شود.





An African gift-bearer carries an elephant tusk while leading an okapi- exotic presents from the southernmost region of the empire.

هدیه آورنده آفریقایی در حالی که یک عاج فیل را بر دوش دارد حیوانی شبیه به زرافه موسوم به اوکاپی را نیز به دنبال می کشد. دو هدیه جذاب و کم نظیر از جنوبی ترین ایالات امپراتوری.

Gold dust or exotic spices from the Indus Valley, the eastern limit of Achaemenid Empire, probably filled the containers borne by the Indian gift-bearer.

نماینده هندی هم احتمالاً پودر طلا یا ادویه جات منحصربفردی را از شرقی ترین ایالات امپراتوری به ارمغان آورده است.





The representatives of Bactria present highly valued bowls perhaps made of gold.

This 20cm-wide gold bowl, now at the Iran National Museum, is similar to those illustrated at Persepolis. It is engraved at the rim with King Xerxes' name in Old Persian, Babylonian and Elamite - the three languages used for formal cuneiform inscriptions.



پیشکش بلخیان کاسه های نفیس احتمالا از جنس سنگ
لاجورد یا طلا می باشد

این کاسه طلایی بسیار زیبا که در هگمتانه یافت شده و
۴۰ سانتی متر قطر دارد شیشه هدایای منقوش در دیواره های
آباداناست

بر روی این کاسه زرین که امروزه در موزه ملی ایران
نگهداری می شود نام خشایارشا، با خط میخی و به
سه زبان فارسی باستان، عیلامی و بابلی حک شده است



The pictures depicted in the Apadana reliefs portray an image of peace and harmony. There is no sign of aggression or hostility.

نقوش آپادانا، تصویرگر فضایی مملو از صلح و دوستی و آرامش اند. در اینجا از خشونت و دشمنی هیچ خبری نیست.

This atmosphere is also noticeable at the Tripylon reliefs, where noblemen are depicted holding hands and chatting with one another.

Most of them carry lotus-like blossoms or flowers while others hold round objects like apples or colored eggs, all of which are still associated with the New Year, Nowruz, festival.

این فضا در تصاویر کاخ سه دروازه نیز بخوبی مشهود است. بزرگان پارسی و مادی در حالی که برخی دست در دست هم دارند گفتگوکنان و به آرامی از پله های کاخ، بالا می روند. بسیاری از ایشان یک شاخه گل یا اجسام کروی شکلی همچون سیب و تخم مرغ رنگی بدست دارند که حتی امروزه نیز از نشانه های جشن نوروز اند.



Tripylon

This triple gate palace was probably used by Achaemenid kings to hold council with top level Persian and Median noblemen and state officials; therefore it is named by some experts as the "Council Hall".

کاخ سه دروازه یا تالار شورا

پادشاهان هخامنشی از این کاخ احتمالاً برای مشورت با نجیب زادگان پارسی و مادی و سایر مقامات بلند پایه کشوری و لشگری استفاده می کردند به همین جهت برخی از کارشناسان، این کاخ را تالار شورا نیز خوانده اند.



Beautiful columns with spectacular capitals, in the form of composite human head on an animal body, supported its ceiling.



ستونهای بسیار زیبا از سنگهایی به رنگ سیاه با سر ستونهایی بی نظیر مرکب از سر انسان و بدن حیوان، سقف این کاخ را بر دوش می کشیدند.



Tachara: The Private Palace of Darius

For his personal use when celebrating the feasts at Persepolis. King Darius ordered the construction of this palatial building whose ruins are still imposing.

کاخ اختصاصی داریوش: تچر

کاخ تچر که حتی بقایای آن نیز پس از گذشت ۲۵۰۰ سال شکوه خاصی دارد، به دستور داریوش بزرگ ساخته شد.



The double-staircase on the south gives access to the palace. Here, the sovereign and his son, Xerxes, held feasts and made preparation to hold audience in the adjacent Apadana, or in the Hundred Column Hall.

در قسمت جنوبی کاخ، پلکانی در ستویه قرار دارد که راه اصلی ورود به تالار اصلی کاخ بود. در این کاخ بود که داریوش شاه و پسرش خشایارشا خود را برای مراسم بارعام در کاخ آپادانا یا کاخ صد ستون آماده می کردند.



Tachara or The Hall of Mirrors

This palace would have been dimly lit. The light would have been streaming through the windows. Since all the stones were highly polished and thus reflected images, it is also known as the Hall of Mirrors.

کاخ تچر یا تالار آینه

نور ملایمی که از درون پنجره ها وارد تالار مرکزی این کاخ می شد به آن جلوه‌ی خاصی می بخشید. از طرف دیگر در جای جای این کاخ از سنگهای بسیار صیقل داده شده و برآق استفاده شده بود که به طور طبیعی تصاویر را منعکس می کردند. به همین جهت کاخ تچر به تالار آینه نیز شهرت یافته است.

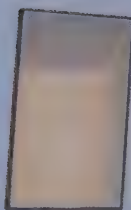


On the eastern and western doorjambes of Tachara, there are reliefs that depict the king in full regalia leaving the palace, followed by two special attendants.



نقش برجسته‌های ورودی‌های شمالی و جنوبی کاخ تچر به شیوه‌ای یا شکوه، پادشاه هخامنشی را در حالیکه دو تن از ملازمین مخصوص وی را همراهی می کنند، به تصویر کشیده است.









The Hadish

This was king Xerxes private palace. With an area of 2,250 square meters, Hadish consisted of a 12-columned portico in the north, a central hall, a number of private rooms and a small veranda on the south, which led to the Queen's palace designated by some scholars as the "Harem".



هدیش

هدیش با وسعتی معادل ۲,۲۵۰ متر مربع کاخ اختصاصی خشایارشا بود. کاخ پرشکوه هدیش شامل یک تالار مرکزی، تعدادی اتاق اختصاصی، یک ایوان در شمال و یک ایوان در جنوب بود. از این ایوان راه مخصوصی نیز به کاخ ملکه معروف به حرمسرا تعبیه شده بود.

Dr. A. Shapur Shahbazi, A prominent Achaemenid era specialist & Professor of History.
"Hadish was once one of the most splendid Achaemenid palaces. But it was almost completely destroyed by the catastrophic fire kindled by Alexander. Only the bed-rock foundation underneath the original floor and parts of the doorjambs have survived, the rest has all burnt to the core."

دکتر علیرضا شاپور شهبازی استاد تاریخ در دانشگاه اورگان آمریکا و عضو برجسته بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد
 "روزگاری کاخ هدیش یکی از زیباترین کاخهای هخامنشیان بود اما آتش افروزی مهیب اسکندر، تقریباً آنرا با خاک یکسان کرد. تنها کف پناها و سنگهای سوخته از در و دیوار، به جای مانده و بقیه به کلی از میان رفته است"









The Queen's Palace

This building is located on the south of Hadish. It presumably was the place where the royal ladies lived.

Its western wing was reconstructed in the 1930s and today serves as the headquarters of the "Parsa-Pasargadae Research Foundation" and houses the Persepolis Museum.

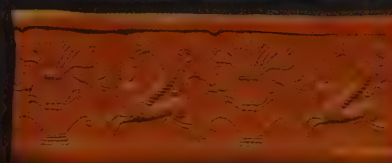
کاخ ملکه

این کاخ بزرگ که در جنوب هدیش واقع شده است، محل زندگی ملکه و سایر بانوان در حرمسرای سلطنتی بوده است.

قسمت غربی این کاخ بیش از ۷۰ سال پیش بازسازی شده و امروزه، موزه تخت جمشید و بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد را در خود جای داده است.

In antiquity, officials used cylinder seals, about five centimeters high, to sign documents written on clay tablets. These seals, which were rolled across the clay, left impressions which today provide very valuable insight into the daily life of the nobles.

در زمان باستان، بزرگان و مسئولین، اسناد نبشته شده بر لوح‌های گلین را با استفاده از مهرهای استوانه‌ای که در حدود ۵ سانتی متر طول داشتند امضا می‌کردند و به آنها رسمیت می‌بخشیدند. با غلطاندن این گونه مهرهای استوانه‌ای بر روی الواح گلی نقش مهرها که امروزه اطلاعات مهمی در مورد زندگی روزمره بزرگان آنروز را به ما می‌دهند، منعکس شده است.

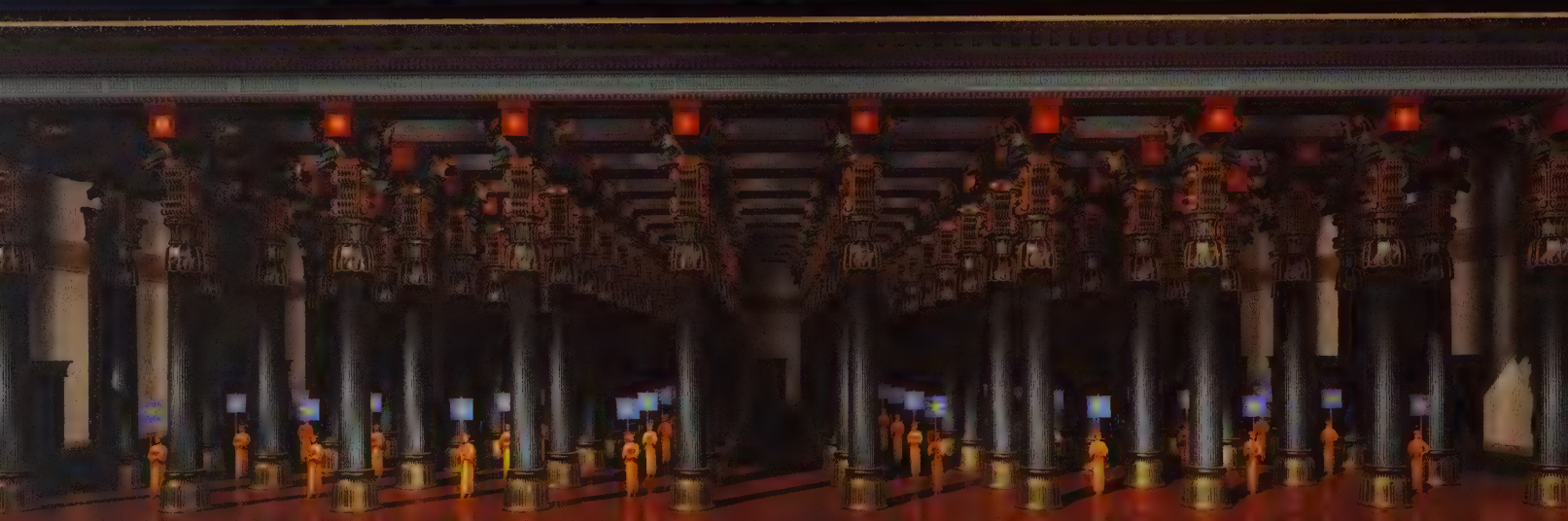


For instance, this rare imprint captures a moment in the royal Achaemenid "harem". Observed by a crowned lady standing in front of the incense burner, a girl offers a bird to an enthroned queen.

برای نمونه، این نقش مهر، گویای لحظه‌ای از زندگی ملکه در حرمسرای سلطنتی است. در اینجا ملکه در کنار یک بخوردان بزرگ نشسته و ندیمه‌اش، پرنده‌ای به وی اهدا می‌کند.

Exiting through the eastern Gate of All Nations and passing two giant guardian sphinxes, the dignitaries and military officials proceeded towards the One Hundred Column Hall.

با عبور از درگاه شرقی دروازه ملل و گذر از میان دو ابوالهول یا شکوه و تنومند، بزرگان و امرای ارتش به سوی خیابان سپاهیان و از آنجا به سوی کاخ عظیم صد ستون می رفتند.



This Hall, also known as the Throne Hall, occupied an area of 4600 square meters and could accommodate thousands people.

این کاخ وسیع با صد ستون زیبا از سنگ سیاه رنگ، ۴۶۰۰ متر مربع وسعت داشته و گنجایش حضور هزاران نفر را دارا بوده است.



A portico with sixteen columns and two guardian bulls on either side was situated on the northern wing of this palace. To the east of the Hall were the soldiers' quarters.

در قسمت شمالی کاخ، ایوانی با ۱۶ ستون و دو مجسمه عظیم گاو نگهبان، قرار داشته است. در شرق این کاخ نیز مقر سربازان واقع شده بود.



Dr. A. Shapur Shahbazi, A prominent Achaemenid specialist & Professor of History.

"This Hall had two southern and two northern doorways. On each of the two northern doorjambs, we can see fifty military officials, once shown from the left and once from the right. They add up to one hundred officials. These individuals are actually the military backbone of the Empire, who hold the throne and provide an exact analogy to the symbolism of the one hundred columns of the Hall."

دکتر علیرضا شاپور شهبازی استاد برجسته دوران هخامنشی و عضو بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد:

"این تالار دارای دو درگاه جنوبی و دو درگاه شمالی است. بر روی هر یک از درگاه‌های شمالی پنجاه افسر نظامی که یکبار از سمت چپ و یکبار از سمت راست نشان داده شده‌اند را می‌بینیم. بدین ترتیب بر روی دو درگاه، جمعاً یکصد نظامی داریم که این گروه در واقع صد افسر عالی‌رتبه امپراتوری ایران هستند. که نماد همان صد ستون می‌باشد."

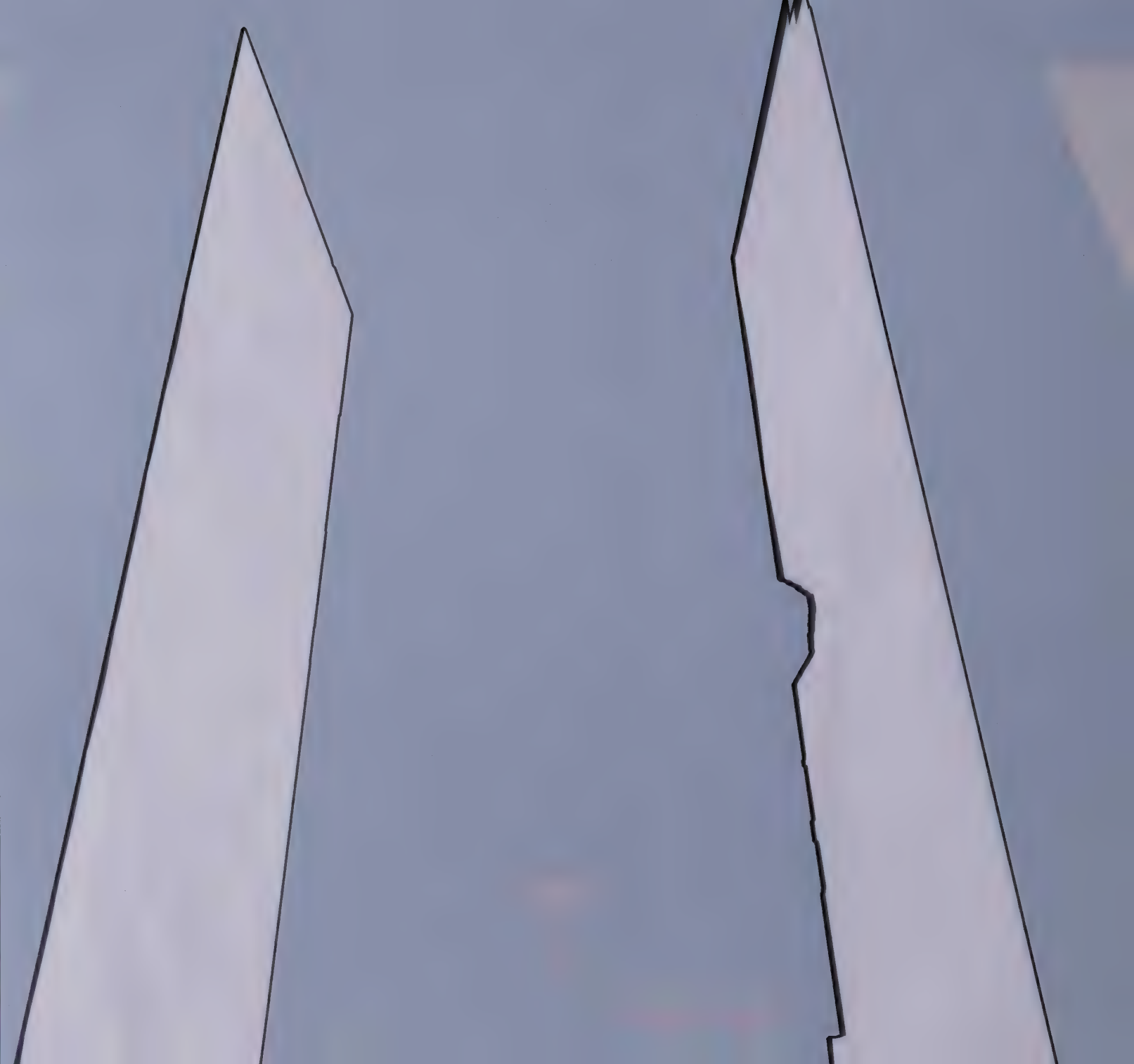


The jambs of the southern doorways, however are ornamented with the figures of the Great King in audience, while 28 representatives of the subject nations carry his throne.

As a convention, to indicate figures arranged in three parallel lines, they were shown one on top of the other.

روی درگاه‌های جنوبی نقش اورنگ بران را می‌بینیم. بیست و هشت تن از نمایندگان ممالک تابع امپراتوری هخامنشی، تخت پادشاهی را حمل می‌کنند. طبق روال آن روز، هنرمندان سنگ تراش برای نشان دادن سه ردیف موازی اورنگ بران، آنها را به صورت سه صف و یکی را برقرار دیگری نقش کرده‌اند.







The Treasury

The Treasury, with its unique ornamented and imposing columns, was one of the first buildings to be constructed on the platform. What early Greek historians wrote about the wealth of Persepolis certainly was not an exaggeration. We learn from the reports of Diodorus Siculus that "... it was full of gold and silver and all sorts of riches." However, Alexander and his army did a very thorough job of looting and finally burning it down to ashes. Therefore, only a small number of objects which were overlooked by the Macedonians have been recovered.



خزانه

یکی از نخستین بناهایی که بر روی صدفه ساخته شد، ساختمان مستحکم خزانه با ستونهای چوبی مرزین به نقوش رنگی منحصر به فرد بود. تاریخ نویسان یونانی در مورد غنا و ثروت سرشار در شهر پارسه و ارگ پادشاهی آن اغراق نکرده اند. بنابر نوشته های دیودوروس سیسیلی "پارسه مملو از طلا، نقره و انواع ثروتها بود." لیکن اسکندر مقدونی و سپاهیان او پس از قتل و غارت مردم، به تاراج ثروت سرشار آن پرداختند و سپس پارسه را به آتش کشیده و صرفاً ویرانه ای غارت شده بر جای گذاشتند. بنابراین فقط تعداد محدودی اشیایی که برای مقدونیان بی ارزش می نمود، باقی مانده است.





The Builders of Persepolis

Uncovered in the debris of the Treasury were hundreds of clay tablets with cuneiform inscriptions in Elamite.

Dr. Matthew Stolper of the Oriental Institute of the University of Chicago is one of the very few scholars who can read and interpret them:

"Eleven karsha of silver [about 1 kilogram] was paid out to woodworkers or craftsmen of some kind, making images at Persepolis.

Workers for whom Barad Kamma, the chief financial officer at Persepolis itself, does the assignments."



سازندگان تخت جمشید

در میان آوار و خرابه‌های خزانه، صدها لوح گلین با نبشته‌هایی به خط میخی عیلامی کشف شده است که اطلاعات زیادی را درباره کارگران و سازندگان تخت جمشید در اختیار ما قرار می‌دهند.

دکتر ماتیو استلپر، استاد تاریخ زبان‌های باستان در موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو که یکی از معدود دانشمندانی است که به این زبان آشنایی دارد، متن یکی از این کتیبه‌ها را برای ما ترجمه کرده است:

"یازده کارشا [تقریباً معادل یک کیلوگرم] نقره به عنوان کارمزد به گروهی از کهنه‌کاران چوب و هنرمندان نقش‌آفرین در تخت جمشید پرداخت شده است که این کارگران زیر نظر بارادکاما، مدیر ارشد امور مالی تخت جمشید کار می‌کرده‌اند."

It has become clear that the workers at Persepolis were not slaves. The Achaemenids employed large numbers of men and women, and paid them adequately in kind or cash according to their skills and nature of their work.

We also know from the tablets that the supervisors consisted of not only men but also women.

بر اساس مطالب الواح یاد شده، تردیدی وجود ندارد که کارگران شاغل در تخت جمشید هیچ‌کدام برده نبودند. هخامنشیان تعداد زیادی کارگر و کارمند زن و مرد در استخدام خود داشتند که بنابر ماهیت کار و مهارت‌هایشان به آنان حقوق مکفی به صورت نقدی یا جنسی پرداخت می‌کردند. لوح‌های گلی یافت شده همچنین گویای این نکته‌اند که برخی از سرکارگران زن بودند که در مواردی بیش از یکصد نفر زیر نظر آنان کار می‌کردند.



The Unfinished Gate

دروازه ناتمام





The Unfinished Gate

دروازه ناتمام

This gate, whose construction was never finished, shows us the stone-cutting procedure at Persepolis. First the cubic and cylindrical boulders were carried into the yard; they were then hoisted up and installed using wooden scaffoldings, pulleys and ropes. The main carving works started from the top ending at the bottom.

این دروازه ناتمام ما را با چگونگی کار سنگ تراشی در تخت جمشید آشنا می سازد. ابتدا تخت سنگهای مکعب یا استوانه‌ای شکل را به محل می آوردند و پس از تراش اولیه، آنها را با داربستهای چوبی، ریسمان و قرقره های فلزی که بعضی از آنها در تخت جمشید یافت شده است به بالا کشیده و در جای خود نصب می کردند. کار اصلی تراش سنگها از بالا شروع می شد و به سمت پایین ادامه می یافت.

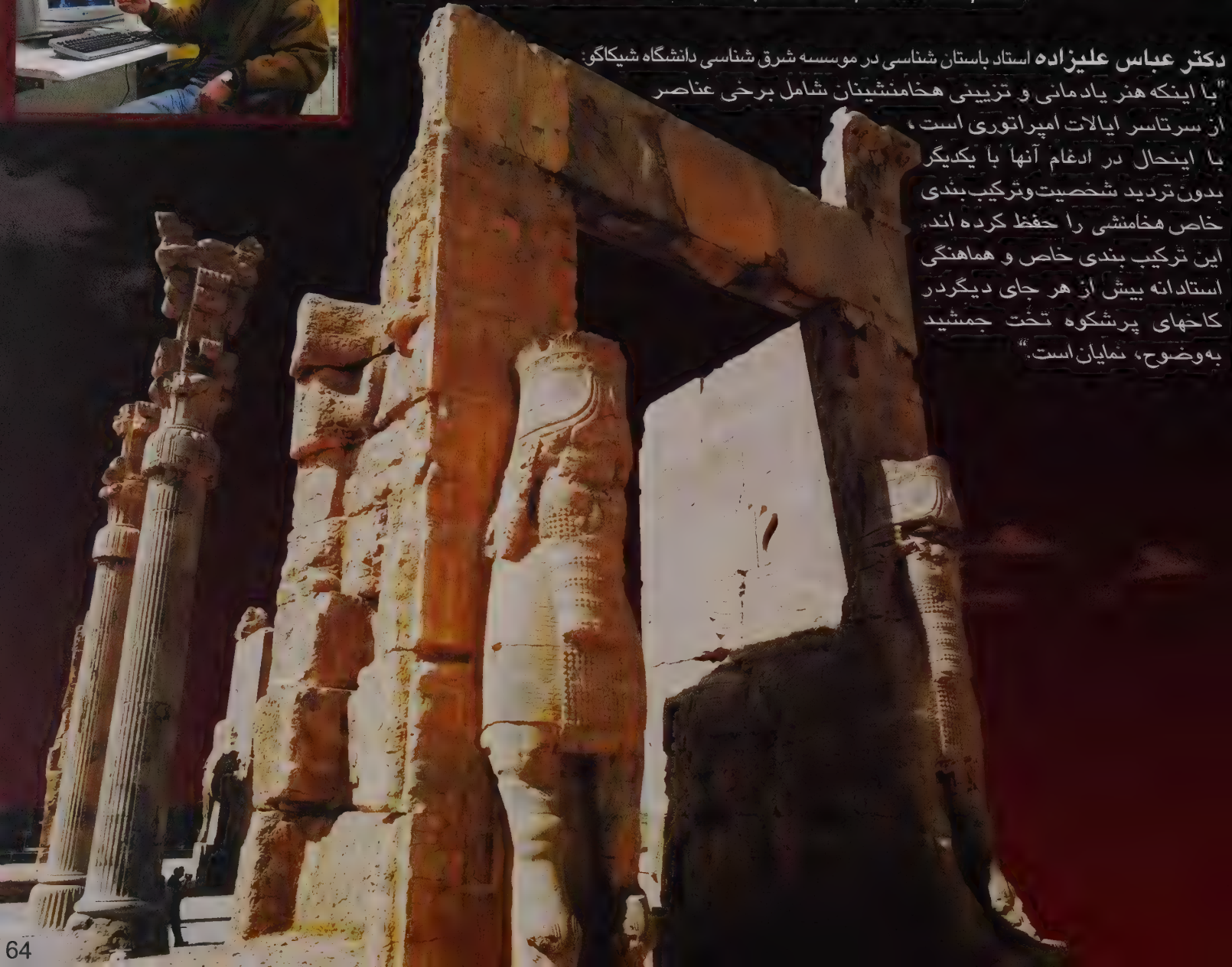




Dr. Abbas Alizadeh, Professor of Archaeology, Oriental Institute, the University of Chicago:
"While Persian monumental and decorative arts consist of elements from various parts of the Achaemenid Empire, they are unmistakably Achaemenid in character and composition. Nowhere in the Persian Empire this harmony is better and more masterfully showcased than in the palace complex at Persepolis."

دکتر عباس علیزاده استاد باستان شناسی در مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو:
 "با اینکه هنر یادمانی و تزیینی هخامنشیان شامل برخی عناصر

از سرتاسر ایالات امپراتوری است،
 با اینحال در ادغام آنها با یکدیگر
 بدون تردید شخصیت و ترکیب بندی
 خاص هخامنشی را حفظ کرده اند.
 این ترکیب بندی خاص و هماهنگی
 استادانه بیش از هر جای دیگر در
 کاخهای پرشکوه تخت جمشید
 به وضوح، نمایان است."





Prof. Remi Boucharlat, National Center of Scientific Research, France:
"In terms of beauty, it's difficult to find the right word. It is a kind of architectural symphony. Everything is built to fit with one another. For example, several buildings of various sizes are set on terraces with different levels to make all together a very beautiful and harmonized picture."



پروفسور رمی بوشارلا، باستان شناس و عضو مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه:

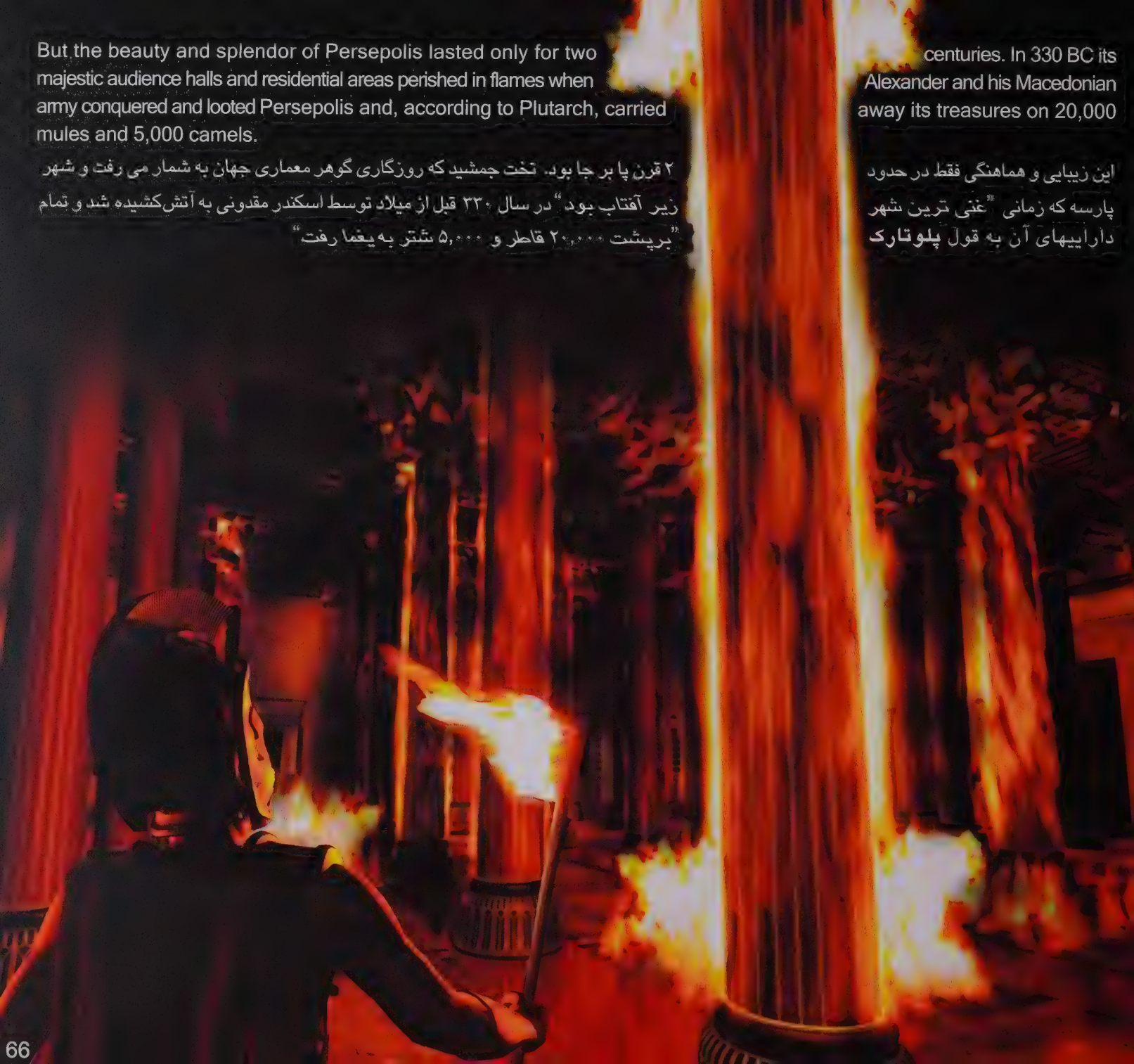
«برای بیان زیبایی بخت جمشید واژه مناسبی نمی توان یافت، گویی که یک سمفونی معماری در آن برپاست. هر بخش به گونه ای طراحی و ساخته شده تا با دیگر بخشها کاملاً هماهنگی داشته باشد. اندازه ها، ارتفاع ها و سطوح ساختمانها به گونه ای است که یک تصویر کلی زیبا و هماهنگ را بوجود آورده اند.»

But the beauty and splendor of Persepolis lasted only for two majestic audience halls and residential areas perished in flames when army conquered and looted Persepolis and, according to Plutarch, carried mules and 5,000 camels.

۲ قرن پا برجا بود. تخت جمشید که روزگاری گوهر معماری جهان به شمار می رفت و شهر زیر آفتاب بود. در سال ۳۳۰ قبل از میلاد توسط اسکندر مقدونی به آتش کشیده شد و تمام بریشت ۲۰,۰۰۰ قاطر و ۵,۰۰۰ شتر به یغما رفت.

centuries. In 330 BC its Alexander and his Macedonian army conquered and looted Persepolis and, according to Plutarch, carried away its treasures on 20,000

این زیبایی و هماهنگی فقط در حدود پارسه که زمانی "غنی ترین شهر داراییهای آن به قول پلوتارک



The "richest city under the sun" was no more.

پی افشرد مانند بیخ درخت
چو گوگرد سرخ آتشین گشت خاک

نظامی گنجوی (اسکندر نامه)

سکندر در آن داوریگاه سخت
زیس خون که گرد آمد اندر مفاک



Although the city was looted and destroyed, the legacy of the Persian Empire has endured.



... و چنین بود که نام تخت جمشید با نام سازندگان و نام ویرانگرش به تاریخ پیوست.



Acknowledgement

It is a pleasure to express our gratitude to all the individuals and institutions who generously assisted and supported us during the research and writing of this volume and the production of the film. Our deepest appreciation goes to:

Dr. Abdolmajid Arfaee	Mohammad Beheshti
Dr. Joan Aruz	Mostafa Hashemi-Taba
Dr. Agnes Benoit	Mehdi-Jamali-Bahri
Dr. Vesta Sarkhosh Curtis	Shahram Ghorbani
Dr. Olga M. Davidson	Naser Mirbagheri
Dr. Javad Faridzadeh	Yadollah Kaboli
Dr. Mohammad B. Ghahremani	Mojtaba Kashani
Dr. Reza Gharib	Maziar Kazemi
Dr. Abolfazl G. Mehrabadi	Mehdi Lahouti
Dr. Gene Gragg	Souzan Naeimi
Dr. Barbara Helwing	Ahmad F. Nikbakht
Dr. Robert Hillenbrand	Akbar Ommati Shabestari
Dr. Bo Lawergren	Mohsen Radnia
Dr. David Gordon Mitten	Shahrokh Razmjoo
Dr. Mahmoud Mousavi	Ali R. Rezaian
Dr. Bobak Rezaian	Manijeh Rezaian
Dr. Gholamreza Rezaian	Mohammad Reza Riazi
Dr. Gil Stein	Hamid Shahangian
Dr. Mehdi Tabeshian	Morteza Soltan-Mohammad
Dr. Emily Teeter	Mohammad Hassan Talebian

Parsa-Pasargadae Research Foundation
 Iranian Cultural Heritage and Tourism Organization
 Musée du Louvre
 Harvard University Art Museums
 The Hermitage Museum, Saint Petersburg
 The Metropolitan Museum of Art, New York
 The Oriental Institute of the University of Chicago
 Staatliche Museen zu Berlin
 Trustees of the British Museum

سپاسگزاری

باعث کمال خوشوقتی است که مراتب قدردانی و سپاسگزاری خویش را انثار همه سروران و عزیزانی نمایم که ما را در دوران پژوهش و نگارش کتاب "شکوه تخت جمشید" و مراحل تهیه و تولید فیلم مربوطه، یاری رساندند. از جمله:

دکتر عبد المجید ارفعی	مهندس محمد بهشتی
دکتر جون آروز	مهندس مصطفی هاشمی طباطبائی
دکتر اگنس بنوا	مهدی جمالی بحری
دکتر وستا سرخوش کرتیس	شهرام قربانی
دکتر الگا دیویدسون	ناصر میرباقری
دکتر جواد فرید زاده	استاد یدالله کابلی
دکتر محمد باقر قهرمانی	زنده یاد مهندس مجتبی کاشانی
دکتر رضا قریب	مازیار کاظمی
دکتر ابوالفضل غلامی مهرآبادی	مهدی لاهوتی
دکتر جین گراگ	سوزان نعیمی
دکتر باربارا هلوینگ	احمد فرخنده نیکبخت
دکتر رابرت هیلن براند	اکبر امتی شبستری
دکتر بو لاورگرن	مهندس محسن رادنیا
دکتر دیوید گوردون میتن	شاهرخ رزمجو
دکتر محمود موسوی	مهندس علیرضا رضاییان
دکتر بابک رضاییان	منیژه رضاییان
دکتر غلامرضا رضاییان	محمد رضا ریاضی
دکتر گیل استاین	حمید شاهنگیان
دکتر مهدی تابشیان	مرتضی سلطان محمد
دکتر آمیلی تیتیر	مهندس محمد حسن طالبیان

بنیاد پژوهشی پارسه = پاسارگاد
 سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور
 موزه لوور، پاریس
 موزه های هنری دانشگاه هاروارد، بوستون
 موزه آرمیتاژ، سن پترزبورگ
 موزه هنر متروپولیتن نیویورک
 موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو
 موزه ملی برلین
 هیئت امنای موزه بریتانیا، لندن

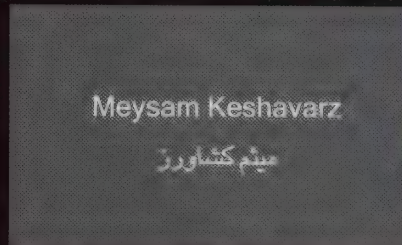
آفرینندگان "شکوه تخت جمشید"

تجسم تخت جمشید، آنچنان که در ۲۵۰۰ سال پیش بوده و به تصویر کشیدن آن به سبکی نوین بدون تلاشی خستگی ناپذیر و عشق و علاقه یک تیم همفکر و همراه امکان پذیر نبود. در این میان می بایست از آقایان مرتضی یاهو و میثم کشاورز دو هنرمند جوان، با ذوق و پرکار که قسمتهای مختلف تخت جمشید و مدارک و شواهد موجود را بررسی نموده و با حوصله فراوان به طراحی، تزئین و رنگ آمیزی کامپیوتری آن پرداختند تا جلوه ای از شکوه دیرینه تخت جمشید را به تصویر کشند، تشکر و قدردانی نمایم.



Morteza Yahoo

مرتضی یاهو



Meysam Keshavarz

میثم کشاورز



This book is also greatly enhanced by the quality of photography it contains by Hossein Hazrati Souini, Jahanbakhsh Mehrbakhsh and Reza Hazrati Souini.

عکسهای چشم نواز کتاب نیز توسط یاران هنرمندم آقایان حسین حضرتی سویی، جهانبخش مهربخش و رضا حضرتی سویی گرفته شده و صفحه آراییها نیز بایاری آقای محسن شریعتی انجام یافته است.



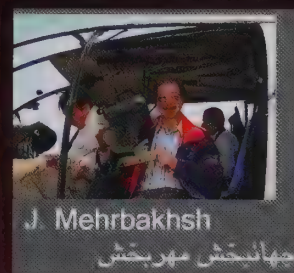
Mohsen Shariati

محسن شریعتی



Reza Hazrati

رضا حضرتی



J. Mehrbakhsh

جهانبخش مهربخش



Hossein Hazrati

حسین حضرتی

I also wish to thank, Mohsen Shariati who helped us in preparing the graphic design of the book.

بدینوسیله از کلیه این عزیزان و سایر سرورانی که در داخل و خارج از کشور در تهیه این کتاب و فیلم مربوطه به شرکت طالع ابتکارات تصویری یاری رساندند، قدردانی و سپاسگزاری می نمایم.

To the many people who assisted us in making the film and the companion volume, I offer my heart-felt gratitude.

امیدوارم که به یاری حق درهای جدیدی به روی ما باز گردد تا در آیندهای نزدیک بتوانیم کارهای مشابهی در مورد سایر آثار بی همتای فرهنگی کشورمان را به ایران دوستان و علاقمندان، تقدیم نماییم.

کی از بنده چیزی به غیری رسد
گر این در نکردی به روی تو باز
سعدی

گر از حق نه توفیق چیزی رسد
کیت فهم بودی تشیب و فراز

Farzin Rezaeian is award-winning documentary and educational film producer and director. He studied sociology, political science and communications at University of Illinois in Chicago.

For the past twenty years he has researched and written for many educational and documentary films that he has produced or directed at Sunrise Film Productions. **"Persepolis Recreated"** is his most recent production.

فرزین رضاییان تحصیلات خود را در رشته های جامعه شناسی، علوم سیاسی و ارتباطات در دانشگاه ایلی نویز (شیکاگو) به پایان برده است.

وی ظرف بیست سال گذشته، پژوهش، نگارش متن و کارگردانی فیلمهای گوناگون مستند و آموزشی را در گروه هنری طلوع بر عهده داشته است که برخی از آنها جوایز داخلی یا بین المللی را به خود اختصاص داده اند.



بزودی: مجموعه فیلم و کتاب

هفت رخ فرخ ایران



Coming soon from the same producer:

Iran

Seven Faces of a Civilization

An illuminating documentary and companion book about six thousand years of Persia's mesmerizing civilization, art and culture.

نقش ما ایرانیان در شکل گیری تمدن بشری چه بوده است؟

جواب را از زبان بیش از ۵۰ دانشمند و ایرانشناس مشهور در گوشه و کنار دنیا بشنوید و شاهد تصاویری جذاب و دیدنی از شاهکارهای هنری ایران در سراسر کشور و موزه های بزرگ جهان باشید.

مرکز فروش: خانه فرهنگ و هنر گویا

www.sunrisefilmco.com



ISBN 964064525-7



9 789640 645253

info@sunrisefilmco.com

شرکت طلوع ابتکارات تصویری
تهران، ایران

Sunrise Visual Innovations Ltd.
Toronto, Canada